

## دادنامه بدوی و تجدیدنظر حقوقی

### چکیده :

مطابق رویه قاطع قضایی و دکترین مؤثر حقوقی، واگذاری حق انتفاع مجانی بوده و تابع قواعد راجع به موجر و مستأجر نیست بنابراین منتفع تکلیفی در پرداخت وجه بابت مدت زمان استفاده از آن ندارد

تاریخ رای نهایی : ۱۳۹۲/۱۱/۲۹

شماره رای نهایی : ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۲۵۰۱۶۰۹

### رای بدوی

دعوی خانم ب.م. به طرفیت آقای ف.ق. به خواسته مطالبه اجرت‌المثل ایام سکونت در پلاک ثبتی. از تاریخ لغایت صدور حکم مقوم به علی‌الحساب ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال به این شرح که طرفین به‌عنوان زوجین در ملک مشاعی سکونت داشته ولی با حدوث شقاق و اختلاف زوج منزل را ترک نموده دادگاه نظر به این که هر چند هر کس از مال دیگری استیفاء منفعت نماید اصل بر عدم تبرع می‌باشد و مکلف به پرداخت اجرت‌المثل آن می‌باشد ولی نظر به این که سکونت زوجین در ایام زوجیت و عدم مطالبه اجرت‌المثل در آن تاریخ ظهور بر قصد تبرع طرفین از استیفاء از اموال اختصاصی داشته و عدم اعلام قصد مطالبه مزد و اجرت‌المثل باعث می‌شود که استیفاء کننده را در حالت عسر و حرج قرار دهد زیرا ممکن بود با اعلام قصد مشارالیه در استیفاء منفعت از مال تغییر تصمیم دهد لذا دعوی را وارد ندانسته و به استناد ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی حکم به بیحقی خواهان را صادر و اعلام می‌دارد. رأی حضوری و ظرف مهلت ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در محاکم محترم تجدیدنظر استان تهران است.

• رئیس شعبه ۱۲۶ دادگاه عمومی حقوقی تهران

### رای دادگاه تجدید نظر

تجدیدنظرخواهی مطروحه از ناحیه تجدیدنظرخواه خانم ب.م. به طرفیت تجدیدنظر خوانده آقای ف.ق. و نسبت به دادنامه تجدیدنظر خواسته به شماره مورخ شعبه ۱۲۶ محترم دادگاه عمومی حقوقی تهران که بر صدور حکم به بیحقی تجدیدنظرخواه در دعوی بدوی مطروحه به خواسته مطالبه اجرت‌المثل ایام سکونت تجدیدنظر خوانده که همسر شرعی، دائمی و قانونی مشارالیه بوده در آپارتمان موضوع پلاک ثبتی. بخش تهران و از تاریخ.. لغایت صدور حکم مقوم به ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال اشعار داشته، با هیچ‌یک از شقوق مقررات قانونی موضوع ماده ۳۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی مطابقتی نداشته و مشروح لایحه تجدیدنظرخواهی نیز متضمن جهت یا جهات قانونی نقض نبوده و مفاد آنکه فاقد تقید به هرگونه ادله شرعی یا قانونیه است مؤثر در مقام نقض نمی‌باشد همچنین بر نحوه رسیدگی مرجع محترم نخستین و استدلال و استنباط قضایی مربوطه خدشه و منقصتی وارد نیست و دادنامه مطابق موازین و مقررات قانونی و محتویات و مستندات پرونده اصدار یافته و در مجموع دلیلی شرعی با قانونی بر نقض آن تقدیم و ارائه نگردیده زیرا: اولاً: تجدیدنظرخواه با تغافل از مقررات قانونی موضوع ماده ۳۴۸ قانون پیش گفته، دعوی مربوطه خویش را مقید به هیچ‌یک از جهت یا جهات قانونی نقض

نموده و نه تنها در دادخواست حاوی دعوی مارالبیان، همچنین در لایحه اعتراضیه نیز مراتب دعوی مطروحه را مقید به جهات قانونی اعتراض نداشته و به صرف ابراز ادعای بلاجهت و بلادلیل و صرف انتفاع و استفاده از ظرفیت تجدیدنظرخواهی بسنده و اکتفا نموده که به ترتیب مبینه دعوی مرقوم فاقد موقعیت قانونی گردیده و صرف نظر از آن، ثانیاً: تجدیدنظرخواه در لایحه بلادلیل تجدیدنظرخواهی چنین اظهار داشته: «با توجه به اینکه زوج منزلی تهیه نکرده بود با اجازه اینجانب به طور موقت در منزل مسکونی ام ساکن شوند کجا گفته‌ام که منظور از سکونت به قصد تبرع بوده» و به ترتیب یادشده تجدیدنظرخواه در صدور اجازه به منظور انتفاع تجدیدنظر خوانده از آپارتمان وی، اظهارات صریحی ابراز داشته که مطابق مقررات قانونی موضوع ماده ۴۰ قانون مدنی و رعایت مواد ۴۳ و ۴۴ همان قانون، زوج (تجدیدنظر خوانده) مجاز در استفاده از آپارتمان مرقوم بوده و علی‌رغم آنکه تهیه مسکن به عنوان نفقه از وظائف مشارالیه بوده، لیکن مشارالیه بنا به هر دلیلی که بوده از آن اعراض نموده و از آنجاکه مطابق رویه قاطع قضایی و دکترین مؤثر حقوقی، واگذاری حق انتفاع مجانی بوده و تابع قواعد راجع به موجد و مستأجر نمی‌باشد، لذا منتفع تکلیفی در پرداخت وجه بابت مدت‌زمان استفاده از آن نداشته و این مهم در صدر نظریه شماره ۷/۳۳۹۴ مورخ ۱۳۸۰/۴/۲۱ اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضاییه ملحوظ می‌باشد و مادام که مالک (تجدیدنظرخواه) از اذن خود رجوع ننموده باشد، منتفع (تجدیدنظر خوانده) تکلیفی در پرداخت وجه ادعایی نداشته، بناء علی‌هذا و با عنایت به مراتب معنونه مارالذکر، اعتراض ابرازی بلاجهت و بلادلیل مطروحه وارد و موجه ندانسته و مستنداً به ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و مواد ۴۰، ۴۳ و ۴۴ قانون مدنی ضمن ردّ تجدیدنظرخواهی مطروحه، در نتیجه دادنامه معترض‌عنه تجدیدنظر خواسته را تأیید و استوار می‌نماید. رأی دادگاه قطعی است.

• مستشاران شعبه ۲۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران